



معرفی

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۵ ■ ۲ بهمن ۱۳۹۹

نوجوان



امیرعلی
جیبی



صدای سفید

میدونم همه ما از این شلوغی‌ها و دیوارای کاغذی خونه‌ها و سروصدای ماشین‌ها و... به تنگ اومدیم اما چه میشه کرد زندگی شهری و همین مشکل‌ها، باید تحمل کرد دیگه (البته می‌گن توروستاها هم این قدر ترسالی هست و درخت کاشتن که مردم از صدای بلبل و گنجشک‌ها بیزار شدن)، اما حواستون باشه تحمل کردن به این معنا نیست که دنبال راه حل نباشیم و خب لازم به ذکر هست که تا ما نوجوونه‌ای‌ها رو دارین غم ندارین...

صدای سفید یک اپ خیلی باحاله که توش کلی صدا داره از صدای بارون و باد و بوران گرفته تا صداهای مصنوعی و با این صداها میتونین از شلوغی‌ها و سرو صدا فرار کنین و جون میدن برای درس خوندن... راستی برای شما دائم‌الهدفن‌های عزیز (به گلوی مادرتون رحم نمی‌کنین به گوش‌های خودتون رحم کنید یک ماساز برای اعصاب شنوایی تون هم هست... به قول دوستی که این اپ رو به من معرفی کرد با استفاده از این برنامه یک حس متفاوت رو تجربه نمی‌کنیم، بلکه یک حس خاص رو با تموم تمرکز تجربه می‌کنیم.



سونیک

یه سری شخصیت تو دنیا هستن که خیلی معروف شدن مثلاً همون شیرری که اول کارتون تام و جری میاد یا مثلاً پلنگ صورتی... بعد از اینها جوجه تیغی‌ها بی خیال ننشستن و گفتن حالا که شیرها میرن توی اول فیلم‌ها و پلنگا صورتی میشن، چرا ما خودمون رو آبی نکنیم و این‌گونه شد که یک شخصیت جدید به نام سونیک توی سال ۱۹۹۱ خلق شد و این سونیک همین‌طور جلو اومد و جلو اومد و از کنسول‌های بازی گرفته تا انیمیشن اومد و همه جا رو تسخیر کرد. همین سال ۲۰۲۰ خودمون هم یک انیمیشن رو بازی کرد. (بین این سال‌ها تو دنیای سونیک اینا برق قطع نشد، برای همین سریع پیشرفت کرد)

نمیدونم خبر داشتن یا نه، ولی من یکی نمیدونستم که زندگی الانم رو مدیون سونیک هستیم، حالا چرا؟ جریان از این قراره که سونیک داشته تو دنیای خودش زندگی می‌کرده اما یک‌دفعه خیلی اتفاقی میاد تو دنیای ما و چون بچه تیزی بوده می‌فهمه یک دانشمند هست که می‌خواد زمین رو نابود کنه (فک کنم مازوت می‌سوزنده) و سونیکم که کلاً بچه لوتی و بامرامیه رگ مرام و معرفتش بالا میزنه و با رفیقش می‌خواد دنیا رو نجات بده. داستان این جریان رو که بهتون گفتم رو میتونین تو انیمیشن Sonic the Hedgehog کامل و دقیق ببینین.



آسمان نیمه شب



اگه حال و حوصله دارین کمر بند هاتون رو ببندید می‌خوایم با هم یک سفر کوتاه بریم شمال (سیخ‌ها رو بزارین زمین، وسط کرونا بازار کسی نمیره شمال ما می‌خوایم بریم قطب شمال، تازه اون زمانی میریم که کرونا نیست)، توی دنیا یک اتفاق آخرالزمانی افتاده و همین اتفاق باعث شده که بخش عمده‌ای از آدم‌های دنیا از بین برن اما خب همه که از بین نرفتن و یکی از همون آدم‌هایی که نجات پیدا کرده آقا آگوستینه و یک دختر کوچولو به نام ایریسین (و احتمالاً ما ایرانی‌ها)... می‌گم شرمند فقط مراقب باشین توی دست و پای آگوستین نرید، اون داره تلاش می‌کنه به یک سری از آدم‌هایی که توی فضا هستند خبر بده که به زمین برنگردن و برای همین کارشون یکم حساس و مهمه. آگوستین گفته به کسی نگم ولی شماها که خودی اید، این اتفاق آخرالزمانی یکم مشکوکه، برای همین زیادی نگران...

بالاخره شاید آدم‌های زیادی از بین رفته باشند اما امید همچنان نفس داره... راستی علاوه بر آگوستین بچه‌های تفلیکس هم چون زنده به در بردن برای همین دور و بری بینیدشون که دوربین به دوش تمام تلاش‌های آگوستین رو دارن ضبط می‌کنن، لباساتون رو مرتب کنین و ژست خوشگل بگیرین که تو فیلم خوب ببفتم...

آب‌نبات‌ها



آمار نشون میده درصد بالایی از آدم‌های روی زمین ته‌تغاری‌اند و همچنین آمار نشون میده اکثر ته‌تغاری‌ها لوس‌اند و گاه‌آزادی عمل بیشتری نسبت به بقیه بچه‌های خانواده دارند و البته در دهه ۶۰ تک خورشون هم ملس بوده منتها از دهه ۷۰ به بعد پررو شدند و جای ضارب و مضروب عوض شد. ما نوجوانه‌ای‌ها هم چون خیلی به آمار و ارقام احترام می‌ذاریم و کلاً علمی‌طور میریم جلو گفتیم بیاییم امروز رو براتون یک کتاب که از زیون یک نوجوون و البته یک ته‌تغاری نوشته شده معرفی کنیم... تو این داستان می‌فهمیم دهه شصتی‌هایی که این قدر می‌نالند که ما نسل سوخته‌ایم چندان هم سوخته نبودند، این بنده خداها این قدر آتیش می‌سوزاندن که بین اینها گاه‌ها دست و پاشون هم سوخته و الان که ۳۰ سالشون شده جای سوختگی‌ها رو نشون میدن و می‌گن ایناها ما سوختیم (مث ما دهه هشتادی‌ها که آروم و سر به زیر نبودن، من بغضم گرفت از این همه مظلومیت، برم آب بخورم)...

آقا محسن ما تو سری کتاب‌های آب‌نبات (اول هل دار بعد پسته‌ای بعد دارچینی) اومده کلی پته دهه ۶۰ و دعوای مهمونی رفتن و خواستگاری و جبهه جنگ و جبهه کنکور و همه و همه و همه اینهارو تعریف کرده، موقع خوندن کتاب یک لیوان آب و قرص جوشان بغل دستتون باشه، خوندین می‌فهمین چی می‌گم...

